



الهام غفاری

مدیر مؤسسه مطالعاتی-تربیتی مهدی

(آفاق)

بزرگ‌ترین گمشده زن مسلمان معاصر



چه به روز انسان معاصر آمده است؟ گویا به معنای واقعی کلمه، انسان امروز دچار نوعی خودآزاری پنهان ناشی از ضلالت و سردرگمی شده است، ضلالتی که از کم گشتگی می‌آید. در دنیایی که شیوه‌اش سرگرمی و فریبندگی است، بدیهی است انسان به جای حرکت، مشغول شود و عقب‌گرد کند.

شاید بزرگ‌ترین گمشده زن مسلمان معاصر همین هویت گمشده و آشفته‌گی وی در شلوغی بازار دنیا باشد.

جایی که حق با ناحق جا به جا شده است، اصالت‌ها جای خود را به مصلحت‌ها بخشیده و حرکت‌ها به بهانه انحراف و شبهه، در نطفه خفه شده‌اند، بدیهی است گاهی زن مسلمان هم سرگرم و مشغول شده باشد؛ گاه به نام فمینیسیم اسلامی، انگ تندروی بپذیرد و گاه به علت زن بودن، ابزار بهره‌کشی مدرن بشود.

برخی‌ها زن مسلمان را بابت نقش‌های متعددش مورد تمسخر قرار می‌دهند. او را به این علت که گاهی باید نقش یک بانوی فکور و اندیشمند را به عهده گیرد و گاه به عنوان یک مادر خانگی تنها دغدغه‌اش فرزندانش بوده‌اند، شماتت می‌کنند. معتقدند زن ابزار حاکمیت است و هرچال لازم بوده در عرصه سیاست و اجتماع، خودی نشان بدهد، به او امرار مشتبیه می‌کنند تا نقشش را به خوبی ایفا کند و هر وقت نیازی به او نباشد، او را در پستوی خانه حبس می‌کنند.

با استفاده از همین تهمت‌های عامدانه یا جاهلانه، قشر عظیم زنان طبقه متوسط اجتماعی را که نه به اقلیت حق و نه به اقلیت باطل، تعلق جدی نداشتند، با خود همراه کرده و در دوگانه مصرف و غصبه بابت نبود امکان مصرف، در دنیای شلوغ و میان‌روزم‌رگی‌ها، مشغول و سرگرم کرده‌اند. غافل از اینکه در باور و نگرش اسلامی، تفکر منطقی فازی مبتنی بر ضروریات و اقتضائات اصیل انسانی در جامعه توحیدی، اصل مقدم انتخاب‌های انسان و همان حقانیت اسلامی است.

در نگرش اسلامی، هرچال لازم است زن درون خانه باشد، باید که درون خانه باشد و این بزرگ‌ترین حرکت اوست. هرچال که باید وسط میدان باشد، دقیقاً میانه عرصه جهاد است و این باز حقیقی‌ترین انتخاب او بوده است.

تعارض میان احادیث مختلف و سیره و منش بانوان اسوه در صدر اسلام مبین همین نکته است که هدف شناخت موقعیت و موضع‌گیری مناسب در مقابل هر موقعیت است.

اکنون بسیاری از شاخصه‌های موفقیت و هویت مطلوب برای زنان بر اساس الگوی مردانه بازتعریف شده است. وقتی مؤلفه‌هایی همچون تحصیل، درآمد و اشتغال را نشانه هویت‌یابی صحیح برای زنان مسلمان ایرانی معرفی می‌کنیم، نه تنها به ناچار زن را در موقعیتی متعارض و رنج‌آور نسبت به داشته‌ها و کشش‌ها و نیازهای طبیعی خود و صد البته اجتماع در زمینه فرزندآوری، همسرداری و مادری قرار می‌دهیم، بلکه به علت طراحی نشدن صحیح و اصولی مبتنی بر دو مؤلفه انسان خدا‌باور و مقتضیات عرفی جامعه اسلامی، در نهایت، زنان را با تناقضاتی آشکار در زمینه تصمیم‌گیری یا سرسپردگی، اقدام و عمل یا تعلل و بی‌عملی و آرامش و تکلیف‌محوری یا لذت‌جویی و سرگرمی‌رها می‌کنیم، فرایندی که در نهایت زن را به افسردگی، عدم حرکت و بازیگری و ایفای نقش‌های کاذب و سرگرم‌کننده‌امابی معنا می‌کشاند و او را در وادی حریت و سرگشتگی رها می‌سازد. این در حالی است که در عالمی که انسان بماه‌انسان هدفش بندگی است، دنبال کسب فرمان برای ادای تکلیف است، نه به دنبال فرصتی برای سرگرمی و نه در جست‌وجوی اندوهی برای فقدان، شاید بزرگ‌ترین ظلم به زن همین دور کردن او از تکلیف محوری، از معرفت‌اندیشی و از خودآگاهی و اشراف وی بر نقش و داشته‌ها و وظیفه‌های انسانی و سپس جنسیتی خویش است.



شهربانو

۲شنبه
۳ مرداد ۱۴۰۱
۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۲۰

(۲)

سمانه سلطانی

کارشناس ارشد شهرسازی

(پرتو)



سناریوی شهرسازان برای روز خوب خانواده‌ها



اطرافتان راه نگاه کنید. کمی اخبار را مرور کنید. مباران حرف‌ها و خبرهای ناخوشایند امانت‌ان نمی‌دهد. در چنین شرایطی، برنامه شما برای حفظ سلامت روان خود و خانواده‌تان چیست؟ حتی اگر نگاهی به نامالیقات و پیچیدگی‌های شرایط کنونی نداشته باشیم و همه چیز را وفق مرادمان بباییم، باز هم باید به عنوان مادر یا پدر برای خانواده‌مان برنامه داشته باشیم و زیست خانوادگی را مثل یک بازی گروهی ببینیم.

مدیریت شهری و شهرسازان نیز با همین رویکرد به خانواده نگاه می‌کنند و از همین منظر در تلاش‌اند به نیازهای یک خانواده ایرانی اسلامی در زیست شهری‌شان پاسخ دهند.

جنس تعاملات و پیچیدگی‌های روابط در خانواده امروزی ایجاب می‌کند که شهرسازی به سمت کاربری‌های چند عملکردی حرکت کند. در نتیجه بر حال خوب شهر تأثیر بگذارد، موضوعی که در معماری گذشته تجلی داشته است و در آینده نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

الگوی ساخت مسجد، بازار و مکتب در کنار یکدیگر در شهرسازی سنتی ایرانی دقیقاً تأمین‌کننده همین دیدگاه بوده است. اکنون نیز نمونه‌های فراوانی را می‌توان یافت که با ارائه کاربری‌های چندعملکردی زیست شهری را برای خانواده‌ها تسهیل کرده است. بازارچه گلستان کتاب در خیابان دانشگاه مشهد فضایی را فراهم کرده است که ترکیبی از سکون و گذران اوقات است. پاتوق‌ها، مغازه‌ها و فضاهای آموزشی، فرهنگی و اداری به‌سادگی در مجاورت هم شکل گرفته‌اند.

در نگاهی کلان‌تر می‌توان به این مهم از طریق برگزاری رویدادها نیز دست پیدا کرد. مهمانی ده کیلومتری در خیابان ولی‌عصر (عج) تهران اگرچه عنوان مهمانی را یدک می‌کشید، برای مدتی محدود، ۱۰ کیلومتر از طولانی‌ترین خیابان غرب آسیا را به پیاده‌راهی تبدیل کرد که کاربری چندعملکردی با تأکید بر گذران اوقات فراغت خانواده داشت.

خیابان‌های پیاده‌مدار مثل جنت در مشهد نیز سابقه‌ای طولانی در ارائه چندعملکردی خدمات به خانواده شهری دارند. هم‌جواری بازار، مسجد، فضای سبز و پیاده‌مداری این خیابان‌ها باعث شده است همه اعضای خانواده بدون دغدغه، به حضور در آن و تأمین نیازهایشان اقدام کنند.

لیلی رحمانی

فعال فرهنگی

(نرگس)



افزایش فضاهای فرهنگی با محوریت زنان



«توسعه» کلیدواژه‌ای است که همه درباره آن می‌اندیشند. زمانی که از نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی بحث می‌شود، مشخصاً موضوع سلامت اجتماعی و زیست سالم پایه و اساس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در هر شهر و کشوری است. توجه به این امر در سایه اهمیت یافتن و توجه به امر مهم آموزش صحیح و ایجاد بستری برای گسترش فعالیت‌های جمعی خواهد بود. بر این اساس، نهادهای آموزشی جزو اصلی‌ترین نهادها برای انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارها هستند. این آموزش از نخستین هسته‌های شکل‌گیری جامعه یعنی خانواده آغاز می‌شود. آشکار است که خانواده بدون اغراق بیشترین تأثیر خود را از مادر و زن دریافت می‌کند. در واقع، زن اثرگذارترین نقش موجود در خانواده را دارد. بر این اساس، لازم است موضوع زنان و سبک زندگی آنان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیران در سطوح مختلف بدل شود. سبک زندگی نشاط‌آور برای زنان از الزامات ارتقای شیوه زندگی افراد است که اگر محقق شود، زندگی اجتماعی را نیز پویا خواهد ساخت. این امر با فعال کردن دو حوزه آموزش و گسترش فضاهای نشاط‌آفرین و مرتبط با حوزه اوقات فراغت محور قوت

می‌گیرد. پس باید گفت نقش مراکز فرهنگی و فراغتی در امر کلی توسعه بسیار پررنگ است. زنان نیازمند بهره‌بردن از این فضاها برای افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقای سبک زندگی در راستای ارتقای سرمایه‌های اجتماعی هستند. شهر مشهد مقدس به عنوان شهری که سالانه میزبان جمعیت زیادی از زائران از جمله زائران زن است، بار بیشتری را در این حوزه بر دوش می‌کشد. زنان و خانواده‌هایی که این شهر را برای اقامتی چندروزه انتخاب کرده‌اند نیازمند وجود فضاهایی هستند که بتوانند اوقات فراغت مناسبی برای آنان فراهم کنند و از سویی حس امنیت و نشاط را برای ایشان به بار آورند. فضاهای فرهنگی و فراغتی شهر مشهد با محوریت زنان در سال‌های اخیر و با اهداف ذکرشده اهمیت بیشتری یافته و هم‌اکنون از میان ۲۳ فرهنگ‌سرای فعال در شهر مشهد، سه مورد مختص بانوان هستند که آماده فعال شدن جنبه‌های آموزشی برای آنان‌اند. هم‌چنین بوستان‌هایی که به صورت اختصاصی در جهت ایجاد فضایی با افزایش احساس امنیت و فراغت برای بانوان و خانواده‌ها احداث شده است سیزده مورد است. این تعداد با احداث چند بوستان دیگر رو به افزایش خواهد بود.



اما چنان که به نظر می‌رسد، با توجه به اهمیت فعال کردن نقش زنان بر اساس آنچه اشاره شد و در جهت ایجاد بسترهای گسترده‌تر برای حضور ایشان و اثرگذاری در عرصه‌های اجتماعی، لازم است سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان‌تری در حوزه مدیریت شهری صورت پذیرد.